انترناسیونال 775

**آینده از آن ماست!**

**پیام حمید تقوائی به مردم ایران**

به شما مردم آزاده ایران درود می فرستم. شما با مبارزاتتان علیه جمهوری اسلامی این حکومت را در آستانه سقوط قرار داده اید. هر روز که به سرنگونی حکومت نزدیک تر میشویم این سئوال هم بیشتر در اذهان عمومی و در جامعه مطرح میشود که چه نیروئی میتواند واقعا انقلاب ما را به پیروزی برساند و بساط جمهوری اسلامی را از جامعه جارو کند؟ پیروزی به این معنا که مامردم بتوانیم به رفاه برسیم، به آزادی برسیم، و از تبعیض و نابرابری و محرومیت و مصیبتهائی که بر جامعه تحمیل شده اثری نباشد. چه نیروئی پاسخگو است؟

در اپوزیسیون نیروهای مختلفی وجود دارند. نیروهائی هستند که بر میهن و ایرانیت و ارزشها و مقدسات ملی-میهنی تاکید میکنند و آنها را برجسته میکنند، نیروهائی هستند که به هویتهای قومی دامن میزنند، معتقدند جامعه ایران ملقمه ای است از ترک و کرد و ترکمن و بلوچ و عرب و آذری و غیره و این ملقمه باید با یک بالانسی در بین سران این اقوام، مذاهب و ملل مختلف تعادلی پیدا کند و به این ترتیب میخواهند جامعه را از نظر خودشان به رهائی برسانند. نیروهائی هم هستند که یک اسلام نوع دیگری را در مقابل- بقول خودشان- "حکومت آخوندی"مطرح میکنند. آیا راه رهائی ما این سیاستها و این جهتگیری ها است؟ جواب روشن است.

جامعه ایران نمیتواند با اتکا به تفرقه میان مردم به آزادی و رهائی برسد. با فال فال کردن جامعه به اقوام و نیروها و ملیتها و مذاهب مختلف؛ با تاکید بر هویتهای محلی، هویتهای درخود، هویتهای مذهبی - ملی- میهنی - قومی؛ با این رویکردها نمیتوان جامعه را حتی یک گام به پیش برد. برعکس، این سیاستها جامعه را به قعر ارتجاع و عقب ماندگی قرون وسطائی رجعت خواهد داد. آنچه جمهوری اسلامی با اتکا به "امت اسلامی" انجام داده حالا میخواهند با اتکا به هویتهای ملی-میهنی-قومی همان سیاستها را ادامه بدهند. فقط ظاهر قضیه عوض میشود.

هیچ جامعه ای به آزادی و رهائی نمی رسد مگر اینکه به هویت و فصل مشترک و ارزشهای یکسان و جهانشمول انسانها رجوع کند. به انسانیت اتکا کند. مردم تنها بعنوان انسان، بعنوان یک عضو جامعه، به عنوان یک شهروند متساوی الحقوق با بقیه، به آزادی و برابری میرسند.

ما مردم چه میخواهیم؟ ما میخواهیم بساط مذهب از دولت، از قوانین، از آموزش و پرورش، و از زندگی اجتماعی ما جارو بشود. میخواهیم از فقر و بیکاری و گرانی اثری نماند، ما میخواهیم آزادیهای بی قید وشرط در وسیع ترین سطح در جامعه تضمین و تامین بشود. ما میخواهیم اعدام نباشد و زندان و زندانی سیاسی و کلا مقوله زندان و زندانی سیاسی از جامعه و از فرهنگ مردم پاک شود. ما میخواهیم زن و مرد در تمام سطوح برابر باشند و اثری از تبعیض جنسی باقی نماند و آپارتاید جنسی درهم شکسته بشود. ما میخواهیم هر فردی با هر گرایشی جنسی و جنسیتی و با هر خواست و تمایل بحقی که دارد آزاد باشد و بتواند همانطور که دلش میخواهد زندگی کند. ما میخواهیم یک جامعه آزاد، برابر، مرفه و انسانی داشته باشیم. رسیدن به چنین جامعه ای با اتکا به قومیت، ملیت، تعصبات ملی- میهنی، تعصبات مذهبی و تعصبات قومی ممکن نیست. اینها موانع سر راه ما هستند. اینها را باید کنار زد.

همیشه دولتها و نیروهای ارتجاعی با اتکا به این نوع ارزشهای محلی و قومی و میهنی و اتنیکی و مذهبی توانسته اند سیاستهای ارتجاعی شان را به پیش ببرند. جمهوری اسلامی یک نمونه تمام عیار چنین دولتهای ارتجاعی است.

ایران فردا باید جامعه ای باشد بری و عاری از هر نوع تبعیض مذهبی - ملی - قومی - میهنی و این یعنی باید جامعه ای باشد بر مبنای ارزشهای انسانی و بر مبنای فرهنگ و آمال و آرزوهای مدرن و متمدنانه و امروزی بشریت در همه جای دنیا.

مساله فقر و بیکار و گرانی را نمیشود با حفظ منافع مفتخورهای یک درصدی تامین کرد. مردم دارند علیه فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی شعار میدهند. و خواستار لغو حقوقهای نجومی هستند. این شکاف عظیم بین فقر و ثروت باید از بین برود و نمیشود با حفظ اقتصادی که محورش سود و سودآوری است این دره عظیم بین فقر و ثروت را ازبین برد. همه جای دنیا این چنین است و در ایران جمهوری اسلامی بیش از همه کشورها. این را همه به عیان می بینیم.

چه نیروئی میتواند این شکاف و تبعیض فاحش را از میان بردارد؟ نیروئی که جامعه و اقتصاد را بر اساس تامین نیازهای انسانی هه شهروندان سازمان بدهد و نه برمبنای سود و سودپرستی. نیروئی میتواند این کار را به انجام رساند که انسان و انسانیت در محور اقتصادش باشد، در محور فرهنگش باشد، در محور سیاستهای خارجی و داخلی اش باشد. باز به این سئوال بر میگردیم: این کدام نیرو است؟ در انقلاب ٥٧ چنین نیروئی وجود نداشت. ودیدیم نیروهای اسلامی که روی کار آمدند چه بلائی بر سر انقلاب آوردند. آن انقلاب هم برای خواستهای بر حق انسانی بر پا شده بود ولی آنرا به خون کشیدند چون نیروئی که انسان و انسانیت در محور سیاستهایش باشد و بخواهد جامعه را از شر هر نوع تبعیض طبقاتی، تبعیض جنسیتی، تبعیض ملیتی، تبعیض قومی مذهبی رها کند، وجود نداشت. امروز این نیرو وجود دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران چنین نیروئی است. به اعتبار برنامه اش، به اعتبارسیاستهایش، به اعتبار مبارزه و فعالیتهای چند دهساله اش علیه آپارتاید جنسی، علیه اعدام، علیه تبعیضات و مقدسات و قوانین ضد زن، علیه تفرقه افکنی های قومی- ملی- میهنی- مذهبی در جامعه و با اتکا بر خواستها و امیال و حقوق و اهداف انسانی همه شهروندان. همه باید مستقل از مذهبشان و یا مذهبی که به آنان منسوب شده، مستقل از قومیت و ملیت و نژاد و جنسیت و گرایشات جنسی شان برابر باشند. همسان و متساوی الحقوق باشند. و حزب ما مدتهاست مشغول مبارزه برای این اهداف است. در داخل ایران و در خارج کشور.

این حزب، حزب شماست. حزبی که میخواهد نه تنها نظام اسلامی را جارو کند، بلکه میخواهد اثری از بردگی مزدی در جامعه نباشد و جامعه بر مبنای برآوردن نیازهای همه شهروندان سازمان پیدا کند. حزبی که میخواهد پرچم سوسیالیسم را برافرازد و جامعه را به طرف یک نظام انسانی آزاد، برابر و مرفه سوسیالیستی رهنمون بشود.

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید. آینده از آن ماست!

حمید تقوائی

١٠ مرداد ١٣٩٧، اول اوت ٢٠١٨